

هدف از تجمیع، روان‌تر کردن کارها بود

صحبت و گفتگوی معاون محترم پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش

آقای «غندالی» در جمع مدیران ستادی و آموزشی سمپاد

(۲۶ تیرماه ۱۳۸۲)

من ترجیح می‌دهم دوستان بیشتر سؤال کنند تا اگر مطلبی هست، در خدمت شما باشم. ولی ابتدا یک مقدمه کوتاه چند دقیقه‌ای را خدمت شما عرض می‌کنم، بعد دوستان اگر سؤال و مطلبی دارند، به هر شکلی که مدیریت جلسه تأیید می‌کنند، در خدمت شما هستیم.

آنچه که به عنوان مقدمه می‌خواهم بگویم اینست که ما در مدیریت جامعه‌مان یک اشکال اساسی داریم. کارها را براساس برداشتهایی که داریم تحریر می‌کنیم. یعنی ساختاری ایجاد می‌کنیم، بعد همه جوانب امر را نمی‌سنجیم و برای عملیاتی شدن و اجرایی شدن یک کار، همه ابعاد را درست تا انتهایش پیش‌بینی نمی‌کنیم. بعد وقتی یک فکر خوب می‌خواهد در جامعه عملیاتی بشود، همه ابعادش را خوب نمی‌بینیم و نمی‌سنجیم. در نتیجه بین راه خود به خود تلف می‌شود و کارایی‌اش را از دست می‌دهد. آنهایی هم که اهل فکر و اندیشه‌اند با این روش کاری ما ذوقشان کور می‌شود. از جمله این موارد مدارس استعدادهای درخشان است، مدارس نمونه مردمی سابق، مدارس نمونه دولتی، کانونهای فرهنگی تربیتی ما نیز هست. هرکدام از اینها، یک پشتوانه فکری درستی داشته است. حالا اگر بعضی‌ها هم معتقدند که پشتوانه فکری درستی نداشته و غلط بوده، ولی به عنوان یک فکر جریان پیدا کرده است، ولی در اجرا که آمده است، همه ابعاد

کار و ساختار کار تغییر کرده است.

قبل از انقلاب که کاخ جوانان سابق را طراحی کردند، اول بودجه‌اش را دیدند، بعد مکانش را طراحی کردند، که برای جوان جَدَّاب باشد، بعد ساختار تشکیلاتی آن را دیدند، همه اینها را مصوب کردند. به اجرا گذاشتند و موفق هم بودند. از نگاه حاکمیت آن روز، با فرهنگ و هنجارهای خودشان، هرچه بود موفق عمل شد. بعد از انقلاب ما همین کار را کردیم، آمدیم یک کانون فرهنگی تربیتی طراحی کردیم، اولاً فرض کنید به جایی که ۵۰۰ میلیون اعتبار لازم دارد، ۲۰۰ میلیون تومان را دادیم، ۳۰۰ میلیون تومان ندادیم، ...

در ثانی ساختار تشکیلاتی آن را، اساساً بررسی نکردیم تا ببینیم. چقدر پست لازم است، چه تعداد نیرو باید داشته باشد، هیچ مطالعه‌ای انجام ندادیم. یک محوطه مشجر را تحویل سرایدار دادیم، نه باغبان برایش تعیین کردیم، نه نگهدار برایش تعیین کردیم. در ارتباط با تشکیلات، مدیر و معاون مرکز و امکانات اصلاً معلوم نیست چگونه باید عمل کرد. بودجه بعدیش را هم نمی‌دانیم چگونه باید تأمین کرد و در مجموع چگونه باید این مرکز اداره بشود.

در استعداد‌های درخشان به اعتقاد من یک چنین گرفتاری برای ما پیش آمده است، البته زحمات آقای دکتر و تلاش خود ایشان باعث شده سازمان تابحال سرپا بماند. و اگر همت ایشان نبود و فردی مثل ایشان بالای سر مجموعه نبود، تا به حال این مجموعه به شکلهای مختلفی صدمه دیده بود و حرکت خودش را، حداقل به شکل صحیح نمی‌توانست ادامه بدهد. این مشکل هم هست. هرکس برداشتی دارد، یکی می‌گوید این عدالت آموزشی نیست، یکی می‌گوید استعدادها را شما جمع می‌کنید می‌برید آنجا بعد مدارس دیگر دچار مشکل می‌شود. هرکسی یک برداشتی دارد، همین‌طور اجتهاد می‌کند، عمل می‌کند و با توجه به دیدگاهش با مجموعه، به همین شکل برخورد می‌کند. من دو سه نکته را می‌خواهم بگویم:

اولاً تعهدی با هم داشته باشیم، حداقل دوستانی که در آموزش پرورش هستیم و آن اینکه مدیران بی‌عرضه‌ای نباشیم. فرض کنید یک چیزی را طراحی کردیم، نظامی، تحت عنوان سازمان استعداد‌های درخشان یا هرچیز دیگری، هر فکر دیگری که عملیاتی شد. پشت سرش بایستیم، جلوی اجتهادهای نابجا را بگیریم. بنده به عنوان معاونت پشتیبانی وزارتخانه مجاز نیستم که اجتهاد شخصی‌ام باعث بشود که از یک سازمانی به اسم سازمان استعداد‌های درخشان پشتیبانی نکنم، ولو برداشت شخصی‌ام این باشد که این سازمان کارایی ندارد. یعنی این فکر با این شیوه

نمی‌تواند اهداف ما را عملی سازد و بگذارد به اهدافمان دست پیدا کنیم. این وظیفه من نیست که در عملیات این حرف را بزنم، در ستاد وزارتخانه، در شورای معاونین، یا جایی که برنامه‌ریزی وزارتخانه هست، می‌توانم فکرم را ارائه کنم، بازنگری کنم. ولی مادامی که یک فکر، یک حرکتی جریان دارد، واحدهای مختلف وزارتخانه وظیفه خودشان را باید در مقابل این جریان کاری، عمل کنند. بنده موظفم تمام مجموعه وزارت آموزش و پرورش را که الان در ساختار، جریان دارد، پشتیبانی کنم. رئیس سازمان استان هم وظیفه‌اش همین است.

هدف ما از تجمیع در حقیقت روان کردن کارها بوده نه براین اساس که ترمزکار همدیگر باشیم. به جای اینکه ستاد مرکزی در اقصی نقاط کشور بخواهد مدارس را پوشش بدهد، کار سختی است، هزینه‌بر است و دسترسی مقدراری مشکل است، سازمانهایی که نزدیک شما هستند مستقیماً پوشش بهتری به شما می‌دهند، امکانات بیشتری در اختیار می‌گذارند و جنبه حمایتی بیشتری پیدا می‌کنند و کار به نحو صحیح تداوم پیدا می‌کند.

من حتماً در جلسه رؤسای سازمان‌ها اشاره خواهم کرد، در جلسه اجلاس رؤسای آموزش و پرورش هم که شنبه ۲۸ تیر ۱۳۸۲ داریم، آنجا هم من تذکر می‌دهم و اشاره می‌کنم. وقتی یک مدرسه‌ای را، یک تشکیلاتی را تعریف کردیم، تابع مقررات و قوانین خاص خودش می‌باشد. ما در مدارس نمونه دولتی، همین گرفتاری را داریم. شما وقتی مدرسه نمونه دولتی را تعریف کردید، ساختارش را هم باید تعریف کنید و در همه جا در دستورالعمل ساماندهی هم ببینید. نه اینکه یادتان برود و بعد روی هوا رهاش بکنیم. الان ما در مدرسه نمونه دولتی همین گرفتاری را داریم، نه معلوم است تعداد معاونهایش چند نفر است، اضافه نیرو را معلوم نیست چکار باید بکنیم. یک بی‌سروسامانی داریم. عملاً از آن چیزی که ما می‌خواستیم و هدفی که از مدارس نمونه دولتی داشتیم بازماندیم. با تجمیع در استعدادهای درخشان نباید بگذاریم چنین اتفاقی بیفتد. به هر حال یک مجموعه‌ای با یک مأموریت خاصی تعریف شده است و مادامی که این تعریف و این مأموریت سرچایش هست باید همان را پشتیبانی کنند. حق ندارند که انتقادهای شخصی بکنند. باید حمایت بکنند و تحت به اصطلاح قوانین و دستورالعمل ویژه‌ای که هست حرکت بکنند. اگر برای انتصاب یا جابه‌جائی مدیران مراکز باید سازمان مرکزی نظر بدهد، باید دقیقاً برای ما محترم باشد. من که رئیس سازمان استان هستم نباید به من برخورد، حالا چرا در عزل فلان مدیر باید رئیس سازمان اصلی دخالت داشته باشد. ساختار اینطوری طراحی شده است. به هر حال نیروهایی که

مجموعه وزارتخانه را دارند اداره می‌کنند، یا مجموعه مملکت را اداره می‌کنند، تشخیصشان این بوده است. من نیروی اجرایی هستم، من نیرویی هستم که باید بیایم پشتیبانی کنم، زمینه، موفقیت طرح و برنامه را فراهم کنم. لذا اول مأموریت خودمان را ببینیم چیست، وظایف خودمان چیست؟ وظایف خودمان را بشناسیم، با دوستان، رئیس سازمان و دیگران، در میان بگذاریم، که اینجا به این شکل خاص اداره می‌شود، اگر ابهامی دارید، نقطه نظری دارید بفرمائید، پرسید من جواب بدهم. اگر نه از مرکز سؤال کنید، بعد به همان شیوه همراهی کنید. اگر جایی واقعاً، اجتهاد شخصی کردند، اشکال خاصی برایتان ایجاد کردند، به جای اینکه درگیر بشوید، بلافاصله به ستاد منتقل کنید. ستاد، وظیفه‌اش هست که بیاید اصطکاک این چینی را، در مناطق و استانها مرتفع بکند، تا انرژی شما صرف درگیری نشود و این انرژی باید صرف برنامه‌ریزی و کیفیت بخشی به مسائل آموزشی و مسائل دیگر مدرسه بشود. لذا من خدمت دوستان اعلام می‌کنم آنچه که به عنوان یک سیاست در وزارتخانه جریان دارد، حوزه ما وظیفه‌اش پشتیبانی است، وظیفه‌اش آماده کردن مقدمات برای موفق شدن آن برنامه است. منتهی یک انتظار از دوستان داریم، که توقعاتمان را متناسب با امکاناتمان قرار بدهیم. یعنی اینجور نباشد که از بنده توقعی خارج از توان داشته باشند. این بطور طبیعی باعث می‌شود که وقتی شما درخواستی کردید و ما نتوانستیم پاسخ بدهیم، مدیران از نظر روحی آزرده می‌شود. این مسئله برای ما مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند. اگر بخشهای مختلف مدام خارج از توان ما، خارج از امکان ما، امکانات بخواهند، آدم از نظر روحی یک مقدار خودش دچار مشکل می‌شود. توان فکر کردن را از دست می‌دهد. توان و امکان وزارت آموزش و پرورش را بسنجید که چیست؟ متناسب با این، توقعات را تنظیم کنید. ما هم سعی می‌کنیم، همانطور که اینجا تابع مقررات خاص خودش هست، همین شکلی ببینیم تا مأموریتی که برایش تعریف شده است به هر طریق دست یافتنی باشد.

نکته بعد اینکه بهر حال ما یک وزارت آموزش و پرورش داریم که پایه‌هایش روی یک به اصطلاح زمین سستی بنا شده، چه به لحاظ ساختاری، چه به لحاظ منابع اقتصادی. ما برای اینکه بتوانیم واقعاً موفق بشیم، نیازمند انسانهای خلاق هستیم که بنشینند، فکر کنند، منابع جدید آموزش و پرورش را برایمان تعریف کنند، تا وقتی که سراغ دولت می‌رویم حق و حقوق آموزش و پرورش را بتوانیم بگیریم. این وظیفه ما هست. الان ۳۷٪ کارکنان دولت، متعلق به آموزش و پرورش است. سهم اعتبارات آموزش و پرورش از بودجه جاری دولت کلاً ۱۷٪

است. این دورقم با هم همخوانی ندارند، یعنی ۳۷٪ جمعیت پرسنلی از ما باشد، ولی اعتبارات ما ۱۷٪ باشد. این دورقم تا به هم نزدیک نشود، آموزش ما را از این فلاکت بیرون نخواهد برد. من اعتقاد این است که رفتن به سراغ دولت و گرفتن امکانات و سهم آموزش و پرورش از منابع ملی وظیفه ماست و باید دنبالش برویم. ولی یک نگاه دیگر هم باید داشته باشیم، از توانمندی فکری و خلاقیت داخل مجموعه بهره بگیریم. از امکان و ظرفیتی که در خود آموزش و پرورش موجود هست به عنوان یکی از منابع مهم استفاده کنیم.

در اینجا انسانهای صاحب فکر می‌خواهد، تا اقتصاد آموزش و پرورش ما را با یک نگاه دیگر تعریف و برای ما تفهیم کنند و اینجا است که سازمان استعداد‌های درخشان باید ما را کمک کند. یعنی از یک طرف بنده وظیفه خودم می‌دانم با شما همراهی کنم، تا مأموریتی که برای سازمان تعریف شده است خوب دست‌یافتنی و عملیاتی بشود و از طرف دیگر انتظار دارم در این مجموعه که دوستان خلاق ما، دانش‌آموزان پرتوان و با استعداد ما هستند، دبیران خوب و پرتوان ما به کمک ما بیایند. به عنوان یک پروژه مهم آموزش و پرورش روی منابع آموزش و پرورش و اقتصاد آموزش و پرورش، فکر، مطالعه و همفکری بکنند، که بینیم واقعاً با این مجموعه چکار می‌شود کرد. من یک سری از دوستانی که در آموزش و پرورش صاحب نظر هستند، در این مدت که در این سمت منصوب شده‌ام خواسته‌ام که افرادی که در اقتصاد آموزش و پرورش صاحب نظر هستند را به ما معرفی کنند. دوستان عموماً اعتقادشان این هست کسی که در اقتصاد آموزش و پرورش کار کرده باشد، در کشور ما نیست و این ضعف بزرگی است. کسی که منابع جدیدی را در آموزش پرورش بتواند تعریف بکند، کسی که اقتصاد آموزش و پرورش را تعریف کند نداریم. بعضیها اشاره می‌کردند در این زمینه باید مشاور خارجی بگیریم و از کشورهای موفق مثل مالزی استفاده کنیم، ولی به هر حال اینجا ما با یک چالش مهمی روبرو هستیم، برای اینکه بتوانیم واقعاً علمی مطالعه کنیم و وضعیت اقتصاد آموزش و پرورش و پتانسیلی که داخل مجموعه هست به نحو صحیح در جهت رفع مشکل استفاده کنیم. باید از صاحبان اندیشه بهره بگیریم. دوستانی که بهر حال در این مجموعه هستید، با توجه به دانش‌آموزان تیزهوشی که در این مجموعه داریم، اعتقاد ما این هست که بیایید به کمک ما، شما می‌توانید به ما از نظر علمی و پژوهشی و تحقیقاتی در این زمینه کمک کنید تا بتوانیم واقعاً راهکارهای بهتری را برای حل مشکلات آموزش و پرورش پیدا کنیم و صرفاً نگاه ما به دولت

نباشد و یکطرفه کار نکنیم که مشکلات عدیده‌ای را برایمان ایجاد کند. به‌رحال من امیدوارم که مجموعه آموزش و پرورش بتواند مأموریتی را که شما دارید خوب بفهمد، پشتیبانی کند و زمینه موفقیت را فراهم آورد. و متقابلاً هم دوستانی که در این بخش هستند ما را همراهی کنند در انجام درست مأموریتی که به ما محول شده است، تا انشاءالله با یک تفاهم و تعامل این دوطرفه موجبات موفقیت در آموزش و پرورش فراهم بشود. کلیاتی که می‌خواستم خدمت دوستان بگویم این بود، حالا در خدمتان هستم اگر سؤالی هست بفرمائید.

○ سازمان‌استانها در ارتباط با استفاده از فارغ‌التحصیلان به‌عنوان حق‌التدریس برایمان مشکل ایجاد

می‌کنند چه کنیم؟

● ببینید. الان سه چهار مورد هم همکاران در این زمینه به شکل کتبی نوشته‌اند. من معتقدم یک تیم از خود مدیران و ستاد سازمان تشکیل بشود که قاعداً آقای دکتر و دوستان این را پیش‌بینی کرده‌اند. مشکلاتی را که دارید دسته‌بندی کنید. دیگر، الان، وقتی جمع انجام شده نرسید این مشکلات چرا وجود دارد؟ قبلش یکسری از مشکلات را داشتید، بعد هم ممکن است یکسری مشکلات دیگر بوجود آید. به‌رحال مشکلات دسته‌بندی شود. یکی از آنها همین فارغ‌التحصیلان است که الان اجازه نمی‌دهند، شما از آن استفاده کنید. در حالیکه طرح خوبی است، من معتقدم یکی از عوامل موفقیت در نقاط مختلف حوزه کاری خود من در شهرستانهای تهران، تقریباً قبل از اینکه سازمان بیاید در پوشش سازمان آموزش و پرورش استان، این بود که ما مدارس خاصمان را با این شیوه اداره می‌کردیم. دانش‌آموزان با استعدادمان را که از سیستم رفته و در دانشگاه قبول شده بودند دعوت می‌کردیم، همان جا برای بچه‌ها کارهای ویژه کنکوری و مسائل مختلف انجام می‌دادند. در خیلی از شهرها، مثل ورامین، قرچک، اسلامشهر به این شیوه عمل می‌کردیم و موفق هم بود. چون بچه‌هایی که با استعداد بودند و دانشجو هم بودند، جوان بودند، نزدیک به بچه‌ها بودند و با انگیزه کار می‌کردند و بچه‌ها هم به دلیل اینکه آنها جوان بودند و اطلاعات خوبی هم داشتند، علاقه داشتند و سرکلاشان بهتر حضور پیدا می‌کردند. تجربه خوبی داشتیم. این کار خوبی است. منتهی باید نوشته بشود، بیاید ما ببینیم، گیرهای کار و مشکلاتش چیست، چرا این امر ممنوع شده و راه کارهایش را پیدا کنیم، حل کنیم، مجوز بدهیم. نمی‌شود که ما یک مأموریت ویژه برای یک مدرسه تعریف کنیم بعد در بخشنامه ساماندهی، او را همپای مدارس دیگر ببینیم.

○ وضعیت نمایندگی سمپاد در استانها چگونه است؟

● یکی از موارد مهم وجود نمایندگی (سمپاد) در استانها است. مدیران این بخش، چون شرح وظیفه برایش نوشته نشد و فقط پست دادیم، الان نمی‌دانند، تکلیفشان چیست، ارتباطشان با سازمان استان چگونه است، ارتباطشان با مدارس چگونه است، ارتباطشان با سازمان مرکزی استعداد‌های درخشان چیست؟ این شرح وظیفه‌ها چون تعیین و نوشته نشده، یک سرگردانی ایجاد کرده. و هر کس به سلیقه خودش تلاشی می‌کند. تنظیم شرح وظیفه از وظایف ماست، من به دوستان واحد تشکیلات ابلاغ می‌کنم. تا، با دوستان استعداد‌های درخشان بنشینند شرح وظیفه نمایندگان سمپاد را تنظیم و به همه ابلاغ کنیم، شرح وظیفه این مدیر در استان این هست. این کارها را باید انجام بدهند و رئیس سازمان مطلع باشد و با او هماهنگ باشد. این نکاتی است که باید کار کنیم، عقب افتاده است، باید یک تیمی روی آن کار کارشناسی بکند. بعد بیاوریم در وزارتخانه و تصمیم بگیریم. لذا من معتقدم تعدادی از دوستان بشینند تمام مشکلاتی که شما در سازمان دارید، حالا چه به صورت کار در یک سازمان اتفاق بیفتد چه بصورت عام در همه جا این گیرها را دارید، اینها مدون شود. من در خدمت دوستان هستم.

○ دیلمی (سمپاد گیلان)

● مستحضرید مراکز آموزش استعداد‌های درخشان محل آموزش و پرورش بهترین فرزندان میهن اسلامی‌اند که بارها مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری تأکید و توجه خاص مسئولان به آموزش و پرورش آنان داشته‌اند و نیز تأکید رهبر معظم انقلاب در دیدار دیروز بادانش‌آموزان قرآنی و مدیران استعداد‌های درخشان در همین زمینه بوده است.

عدالت آموزشی ایجاب می‌نماید، همانگونه که برای دانش‌آموزان استثنایی امکانات خاص آموزشی تدارک دیده می‌شود، برای دانش‌آموزان استعداد‌های درخشان نیز بی‌شک امکاناتی در خور استعداد و توان آنها باشد. با این تفاوت که دانش‌پژوهان استعداد‌های درخشان بازدهی و نتیجه بسیار مفیدتر و بیشتری در استفاده از امکانات دارند، برای نمونه به اهتزاز در آمدن پرچم پرافتخار ایران اسلامی در المپیادهای جهانی (۲۰ نفر از دانش‌آموزان امسال از سمپاد بوده‌اند). مواجه شدن با بعضی مشکلات اداری مالی، فعالیت آموزشی مراکز را تحت تأثیر قرار داده است. که اهم آنان در ارتباط با حوزه معاونت پشتیبانی می‌باشد که به شرح زیر تقدیم می‌گردد.

تقاضا می‌شود به منظور ایجاد وحدت رویه در سازمان آموزش و پرورش استانها (با توجه به اینکه همه

استانها يكسان عمل نمی‌کنند، مسائلی که ما خدمتتان عرض می‌کنیم در بعضی استانها انجام شده، در بعضیها انجام نشده و یک ناهماهنگی بین مراکز در سطح کشور وجود دارد. این موارد به صورت دستورالعمل اجرایی و بخشنامه به استانها ارسال گردد:

۱- اداره امور مدارس استعداد‌های درخشان براساس مصوبه شورای محترم عالی اداری آموزش و پرورش و سازمان محترم مدیریت و برنامه ریزی تحت نظر مستقیم رئیس سازمان آموزش و پرورش و نمایندگی استعداد‌های درخشان استانها می‌باشد.

۲- صدور احکام همکاران مراکز استعداد‌های درخشان براساس مصوبه هیأت محترم امنای استعداد‌های درخشان همچون مراکز تربیت معلم (مصوبه داریم ولی اجرایی نمی‌شود در بعضی استانها اجرا نشده و در بعضی اجرا شده). پرداخت حق الزحمه اضافه کاری کارکنان اداری (با اطلاعی که حضرتعالی از نیت مدیران مادارید واقعاً عشق است که این افراد را نگه داشته به عزیزان مادر استانها بارها پیشنهاد قبول مسؤلیتهایی خیلی بالاتر از نظر مادی و ظاهری شده اما عشق آنها به سمپاد باعث شده آنها به هیچ وجه این کار را با کارهای دیگر عوض نکنند)

۳- پرداخت حق الزحمه اضافه کاری کارکنان اداری تا سقف ۱۲۰ ساعت در ماه و پرداخت حق التدریس کادر آموزشی مراکز مطابق آئین نامه پرداخت حق التدریس، در مراکز تربیت معلم، مصوبه ۶۷/۱۲/۱۹ هیأت وزیران مدیران. افزایش ۳۰٪ فوق العاده شغل کارکنان مراکز استعداد‌های درخشان براساس بند «پ» ماده ۱ مصوبه ۶۷/۲/۱۹ هیأت وزیران تاکنون انجام نشده است. پرداخت سرانه دانش آموزی تعمیرات و تجهیزات مانند سایر مدارس.

هزینه کرد حق ثبت دریافتی مراکز (با مصوبه هیأت امناء که حق ثبت باید به چه طریقی هزینه بشود، در برخی از استانها به این شکل هست که اخیراً مشکل پیدا شد.) تحت نظر شورای مالی و براساس مصوبات هیأت محترم امنای سازمان استعداد‌های درخشان تعیین عامل ذی‌حساب در نمایندگی استعداد‌های درخشان استانها. رعایت درجه بندی و ضوابط مراکز براساس مصوبه هیأت امنای سوسی آموزش و پرورش استانها و تأمین نیروی استانی مراکز براساس نمودار سازمانی موجود، صدور مجوز جهت استفاده از دبیران بازنشسته، استفاده از فارغ التحصیلان و دبیران آزاد، صدور ابلاغ و حکم کارگزینی مسئولان نمایندگی استعداد‌های درخشان در سطح کارشناس مسئول.

● غندالی

اگر ما مدیران بی عرضه ای نباشیم، وقتی چیزی در نظام به عنوان یک سازمان تعریف شد

ديگر لازم نيست امام زمان (ع) و مقام معظم رهبري و رئيس جمهور همه را به شهادت بگيريم که به حضرت عباس (ع) فلسفه وجوديش را همه تأييد مي‌کنند. اين در حقيقت برخورد منفعل است. اگر منفعل برخورد کرديد نتيجه نمي‌گيريد، مثل صحنه دعواست در صحنه دعوا وقتی طرف ديده نفر مقابل منفعل شده، ترسيده، خودش را پيروز مي‌بيند. در نظام اداري ما الان اينگونه است. يعني شما وقتی منفعل حرکت کرديد ديگر ميدان به شما نميدهند. وقتی کاري در سازمان تعريف شده است، چيز تعريف شده را من چه طوري مي‌توانم لغو کنم؟ من به عنوان معاون وزيرتخانه يک فکر دارم، يک نظر دارم، شرح و وظايف هم مشخص است. ديگر برنامه‌هاي وزيرتخانه را قرار نيست که من لغو کنم. هرکس سهم خودش را دارد، بنده هم وظيفه‌ام پشتيباني است. وقتی مطمئن آوريد به صحنه، اينجا جاي حرف زدن است. منم با توجه به گرفتاريهاي که دارم، کمبود منابعي که دارم، مي‌گويم خيلي خوب اين را مي‌شود از صحنه بيرون کرد. بيرونش مي‌کنيم. اين يک نکته. مطلب بعد اينکه مديران مراکز عشق و علاقه دارند. قطعاً همين بوده است. ولي اين معنايش اين نيست که مأخوذ به حيا باشند، نيابند دنبال کارشان و بگويند، ما چيزي نمي‌خواهيم، ما علاقه به بچه‌ها داريم و کارمان همين است حالا نظام هر کاري مي‌خواهد انجام دهد يا ندهد - اينجور نبايد با قضيه برخورد کرد. همان عشقي که در کار نسبت به بچه‌ها داريد، همان عشق را هم بايد اينطرف داشته باشيد. محکم بايستيد. حرفهائتان را بزنيد. مستدل، منطقي، بنده را معجب کنيد. به اينکه در اين مسير حرکت کن.

موارد ديگري که اشاره کرديد قابل حل است. مثل حق الثبت مدارس - که اصلاً ربطی به ما ندارد. شما هر منبعی غير از منابع دولتي را مي‌توانيد براي خودتان تعريف کنيد. با توجه به اينکه در چارچوب مقررات باشد و مشکلي از نظر کلان مملکتی نداشته باشد با مسؤليت آقای دکتر اژه‌اي، که حالا که شهریه را گرفتيد چطور هزینه کنيد، چکار کنيد. ايشان با مجموع کارشناساني که در مجموعه دارند مسئله را حل کنند. شما هم شوراي مالي بگذاريد. من هم وظيفه‌ام اين است که پشتيباني بکنم مثلاً اگر سرانه به شما مي‌دهم، بگويم که آن سرانه را چطور بايد هزینه کنيد. ولي شما از مردم کمک بگيريد. براي کيفيت بخشي سازمان هم نبايد براي شما تصميم‌گيري کند. شما در چارچوب اختياراتي که داريد مي‌توانيد عمل کنيد و ستاد هم نظارت داشته باشد که درست هزینه بشود. وگرنه اگر يک مرکزی بتواند صحبت کند، مردم را توجيه کردند، و آنها بيايند براي کيفيت بخشي به کمکش و او توانست خارج از توان دولت امکاناتي را

بگیرد، متعلق به خود اوست، و سازمان فقط چارچوبی باید بگذارد که این دریافتی درست هزینه بشود.

به عامل ذیحساب نیز به اعتقاد من نیاز نیست، چون شما در استان ردیف بودجه‌ای ندارید که بخواهید برای حق‌الثبت‌ها و کمک‌های مردمی برای مدیریت یک عامل ذیحساب بگذارند. این جز اینکه دست و پاگیر باشد، فایده‌ای ندارد. عامل ذیحساب به اعتقاد من اصولاً فلسفه وجودی در این مورد ندارد. مگر اینکه ردیف بودجه‌ای برایش تعریف کنیم. که این ردیف بودجه برای استعداد‌های درخشان باشد که آنجا بخواهید هزینه کنید عامل ذیحساب نیاز دارید. ولی الان شما ردیف بودجه‌ای ندارید. ما بیشتر جنبه حمایتی و کمک به این مجموعه را داریم، اینجا و سازمان‌های دیگری که در آموزش و پرورش دارند فعالیت می‌کنند. سرانه ما کمک به مدرسه است مثل دیگر مدارس. مدارس دولتی مگر عامل ذیحساب دارند. ما یک رقمی را به عنوان کمک به حساب مدرسه می‌ریزیم. وقتی به حساب مدرسه ریختیم و به هزینه گرفته شد، نیاز نیست حتماً اسناد و مدارکش را به ما ارائه بدهند. در مدرسه باید همه اسناد و مدارکش بماند. این مدرسه هم مثل مدارس دیگر، سرانه‌ای به آنها کمک می‌کند و دیگر به عامل ذیحساب نیازی ندارد. هزینه طبق نظر شورای مدرسه انجام می‌شود. اسناد هم همانجا می‌ماند.

نکته بعد هم در ارتباط با دبیران بازنشسته است که ما قانون داریم، قانون هم اجازه نداده بازنشسته‌ها از صندوق دولت دوبار حقوق بگیرند. البته من تعبیر و تفسیرم این است که صندوق، صندوق دولت نیست. یکی از اشتباهات فاحشی که دارد اتفاق می‌افتد، همین است. صندوق بازنشستگی پول من نوعی است. سالهای سال از حقوق من کم کرده‌اند، گذاشتند آنجا، با آن پول دارند کار هم می‌کنند، بعد من بازنشسته می‌شوم و به من بر می‌گردانند. کجای این پول مربوط به دولت است؟ متأسفانه این از موارد اشتباهات فاحش است که مشکلاتی را به شدت در مملکت ایجاد کرده است بخصوص برای بازنشسته‌ها. ولی علیرغم اینها، این تصور وجود دارد که چون از اینجا حقوق می‌گیرد، نمی‌تواند از جایی دیگر از صندوق دولت هم حقوق بگیرد. حالا روی همین هم باید اشکال کرد، رفت در مجلس عنوان نمود، به چه دلیل یک فرد دوبار از صندوق دولت پول بگیرد؟ من ۸ ساعت کار در روز دارم، یا به عنوان دبیر ۲۴ ساعت موظف هستم و با دولت کار می‌کنم. حالا می‌توانم قرار داد ببندم با یک شرکت دولتی دیگر، کار کنم، در ساعات آزاد خودم، متأسفانه این قوانین دست و پاگیرند. ولی در حال حاضر به بازنشسته طبق قانون

نمی‌توانید از صندوق دولت مجدداً پول بدهید به عنوان حق‌التدریس. فقط تنها کاری که می‌شود کرد از منابع داخلی خودتان به آنها حقوق بدهید. یعنی ما اجازه بدهیم بازنشسته در این سیستم کار بکند. منتها از منابع درآمدی خودتان، نه از منابع درآمدی که از وزارت آموزش و پرورش به حسابتان واریز می‌شود، از شهریه، یا منابع دیگری که می‌توانید تعریف کنید بلامانع است.

در مورد فارغ‌التحصیلان هم بدینگونه است. فارغ‌التحصیلان را از منابع درآمدی خودتان می‌توانید بکار بگیرید. هیچ اشکالی ندارد. منتهی تشریفات گزینش را رعایت کنید. البته من در مورد فارغ‌التحصیلان معتمد. در آن بخشنامه ساماندهی باید بیائیم، مشکلاتش را حل کنیم تا بتوانیم حق‌التدریس هم بگیریم، ولی تا حل نشده به این شیوه می‌توانیم عمل کنیم. بازنشسته‌ها را هم به همان شیوه.

این نکاتی هم که دوستان گفتند، یک تیم کارشناسی در مجموعه معاونت پشتیبانی می‌گذارم، کار کنند، آنچه که مربوط به ما می‌شود تصمیم می‌گیریم. آنهایی که به معاونت‌های دیگر بر می‌گردد، با آنها هم رایزنی می‌کنیم. دوستان در سازمان به سراغ ما بیایند. انشاءالله راه کارهاش را مشخص می‌کنیم و قبل از مهرماه خدمتتان اعلام خواهیم کرد.

○ ○ ○